

# موضوع شعرم می شوی؟

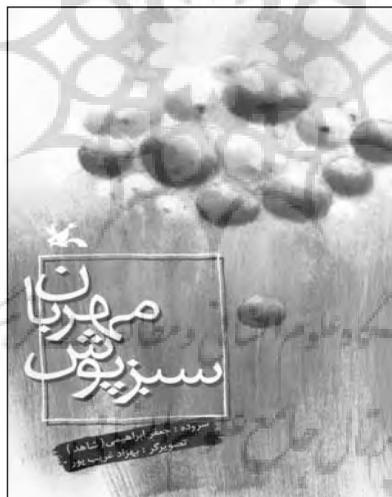
عزت‌الله الوندی

رسیده، آثار پدید آمده در سال‌های پیش از سال ۷۳ است.

خوشبختانه این آثار، بدون در نظر گرفتن تاریخ سرایش آن‌ها، جزو کارهایی به شمار می‌آید که برخلاف برخی کارهای تازه‌ی ابراهیمی، طراوت و تازگی خاصی دارد.

در این مجموعه که در بردارنده پانزده شعر است، شعرهایی چون سفر به کودکی، بوی یاس، بوی گندم، سایه در مه، پیرزن بزرگ، شعرهای تازه و... آورده شده که هریک در جای خود ویژگی‌های شعری منحصر به فردی دارد.

قالبی که شاعر در این مجموعه برای شعرهای خود برگزیده، چارپاره است. این قالب، غالب شعرهای کودک و نوجوان است که به سبب صمیمیت و امکانات فنی و ادبی‌ای که به شاعر می‌دهد، از سوی شاعران انتخاب می‌شود. چارپاره قالب تقریباً جوانی است که شاید یک قرن هم از پیدایش آن نمی‌گذرد و این امکان را به شاعر می‌دهد که شعر خود را بند به بند، پاراگراف‌بندی کند و هم‌چنین با مشکل قافیه درگیر نباشد؛ چرا که در هر بند، او تنها به دو قافیه نیاز دارد و در عین حال، می‌تواند حرف خود را در دو بیت تمام کند. علاوه بر آن، این امکان را نیز به شاعر می‌دهد تا وحدت معنایی را در تمام بندهای شعر داشته باشد. ضمن آن که بسیاری از شاعران، با ابتکارهای ویژه، توانسته‌اند روایت را نیز در این نوع شعر وارد



**عنوان کتاب:** سبزیپوش مهربان  
**شاعر:** جعفر ابراهیمی (شاهد)

**تصویرگر:** بهزاد غریب‌پور

**ناشر:** کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

**نوبت چاپ:** اول - ۱۳۸۲

**شمارگان:** ۱۰۰۰۰ نسخه

**تعداد صفحات:** ۳۲ صفحه

**بها:** ۷۸۰ تومان

اغلب اشعار مجموعه «سبزیپوش مهربان» که تازه‌ترین کتاب ابراهیمی است از سوی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ

جعفر ابراهیمی، از جمله شاعران و نویسندگان پرکار ادبیات کودک و نوجوان به شمار می‌آید که آثار متعدد و متنوعی در این زمینه از وی منتشر شده است. ابراهیمی، هم در زمینه شعر، داستان و رمان و هم در زمینه بازنویسی متون کهن، آثار قابل تأمل و اعتنایی دارد.

فعالیت او در زمینه شعر که در واقع کار اصلی‌اش به شمار می‌آید، به آفرینش آثاری منجر شده که در یاد نوجوانان، ماندگار است. مجموعه‌هایی چون بوی گنجشک، آواز پوپک، باغ سبزشعرا، مثل یاس، خورشید این جا، خورشید آن جا و... از جمله آثاری است که زبان ابراهیمی را برای انتقال حس نوجوانی، به ویژه در فضای روستایی، تثبیت کرده است. شعرهای ابراهیمی با مضمون روستا و طبیعت، زندگی، خانواده، دوستی و... صمیمیت و سادگی خاصی دارد و می‌توان او را در حلقه شاعران روستا، در کنار محمدکاظم مزینانی، اسدالله شعبانی و... از چهره‌های شاخص به شمار آورد. حسی که ابراهیمی به مخاطب خود می‌دهد، حس تجربه شده و ملموس است؛ گویی شاعر تنها به بیان لحظه‌هایی از زندگی می‌پردازد که بیشتر آن را تجربه و لمس کرده است و برای هر جمله خود، خاطره‌ای دارد. در عرصه کودک و نوجوان، ابراهیمی، جزو شاعرانی است که در بیان تجربه‌های موزون و شاعرانه خود، صاحب سبک‌اند.



حسی که ابراهیمی  
به مخاطب می دهد،  
حسی تجربه شده و  
ملموس است.  
گویی شاعر تنها به بیان  
لحظه‌هایی از زندگی می پردازد  
که بیشتر آن را  
تجربه و لمس کرده است  
و برای هر جمله خود،  
خاطره‌ای دارد

کنند و به خوبی از پس ایجاد فضاهای مناسب  
روایی در آن برآیند. علاوه بر این‌ها، چارپاره زبانی  
را بر شاعر تحمیل می‌کند که هماهنگ با زبان  
امروز است و شعری که دارای زبانی کهنه در این  
قالب باشد، خود به خود در ردیف قصیده و مثنوی  
قرار می‌گیرد.

#### زبان

نخستین جلوه‌ی ادبی موجود در یک اثر  
به‌ویژه اگر شعر باشد، زبان است و در آثار ابراهیمی،  
توجه ویژه‌ای به آن شده است. در مجموعه  
سیزپوش مهربان نیز شاعر، ضمن رعایت نکات  
فنی، از قبیل وزن و قافیه صحیح، به زبان توجه  
دارد که هم صمیمیت خاصی داشته و هم القاکننده  
تجربه‌های خاص شاعر باشد:

در صدایت جویباری جاری است  
دست‌هایت بوی زیتون می‌دهد  
رقص نرم باد بر پیراهنت  
بوی سبز بید مجنون می‌دهد

انتقال حس شاعرانه، از امکانات ادبی این شعر  
به شمار می‌آید که شاعر به خوبی از آن بهره برده  
است. این سادگی را می‌توان در شعرهای دیگر هم  
دید. ضمن آن که سادگی بیان شاعرانه، به معنا و  
شاعرانگی شعر نیز آسیب نرسانده است:  
با خودم می‌گویم این‌ها شعر نیست  
شعرهایم باز تکراری شده

پیری بوده‌ام من پیش از این)، می‌توان گفت که  
شاعر قصه تأکید داشته است.

کودکی در روبه رویم  
ایستاده مثل رویا  
می‌شناسم، آه او را  
او منم، در کودکی‌ها

ضعف تألیف در این پند نیز جزو موارد نقض  
شاکله زبانی است که در شعر سایه در مه، رخ داده  
است. واژه «آه» و حرف اضافه «در» از مواردی  
است که حشو را به شعر تحمیل کرده و به خوبی  
پیداست که ضرورت وزنی باعث شده است تا شاعر  
از ضرورت‌های شعری و زبانی چشم‌پوشی کند.  
ضمن آن که استفاده از «از» به جای «از»، «گر» به  
جای «اگر»، مشدد کردن برخی حروف به ضرورت  
وزنی و استفاده از فعل «هست» به جای «است»،  
از دیگر مواردی است که زبان شعر را دچار اشکال  
کرده.

حذف به قرینه معنوی نیز در برخی مصراع‌ها،  
به ساختار منسجم شعر ضربه وارد کرده است:

با بلیت سبزرنگ دوستی  
می‌توان در شرکت واحد نشست  
می‌توان با شعر همشهری سلام!

شیشه اخم مسافر را شکست  
همان طور که پیداست، حذف «اتوبوس» از  
شرکت واحد در مصرع دوم، باعث شده است تا  
مخاطب از خود بپرسد، برای چه با بلیت دوستی در

حرف‌های کهنه و تکراری‌ام  
باز هم در شعر من جاری شده.

اما نکته‌ای که درباره زبان ناگفته مانده است  
آن که بعضی وقت‌ها شاعران، برای پرکردن وزن  
در مصراع یا بیت، دچار حشو می‌شوند و واژه‌هایی  
را در جای خالی مصراع‌ها می‌گذارند که بدون  
آن‌ها برای شعر ضرورتی ندارد و این الزام وزن  
است که باعث چنین نقصی می‌شود. شاعر نیز  
چاره‌ای نمی‌بیند جز آن که از این خطا چشم‌پوشی  
کند. در بسیاری شعرها شاید با واژه «آه» زیاد  
روبه‌رو شده‌ایم. حال آن که بودن آن، مشکل شعر  
را جز در موارد وزنی حل نمی‌کند. در شعرهای  
ابراهیمی نیز از این قبیل این حشوها (البته در  
مواردی معدود)، دیده می‌شود:

ناگهان احساس کردم لحظه‌ای  
در کویری بوده‌ام من پیش از این  
زندگی می‌کرده‌ام در کلبه‌ای  
مرد پیری بوده‌ام من پیش از این

روزگاری یک درخت سیب را  
روی کوهی من تماشا کرده‌ام  
روزگاری توی خوابم چشمه‌ای  
در کنار کوه پیدا کرده‌ام  
استفاده از ضمیر «من» که در تمام موارد نقش  
مسندالیه و فاعل دارد، در هر سه مصراع زاید به  
نظر می‌رسد. ضمن آن که تنها در مورد دوم (مرد



لحن روایی شعر  
در دوره‌های اخیر،  
جزو مواردی است که  
می‌تواند مضامین بکری  
به همراه بیاورد

شعرها، از جمله شعر قرآن، شاعر در یافتن مضمون دچار اشکال شده و مضمونی تکراری را دست مایه خود قرار داده است. هرچند در شعر سبزه‌پوش مهربان که ناخودآگاه ذهن مخاطب را به سمت امام زمان (عج) سوق می‌دهد، نشان خاص و ویژه‌ای به جز مفهوم آمدن، تصویر نشده است و در پایان شعر نیز مقصود ظاهری شاعر از سبزه‌پوش مهربان (بهار) بیان می‌شود، اما استعاره‌ها زیبا و مفاهیم استعاری، مخاطب را وامی‌دارد تا درباره بهار و آن سبزه‌پوش مهربان بیشتر بیندیشد. ضمن آن که شاعر، تاریخ سرودن شعر را نیز نیمه شعبان ذکر کرده است:

از کنار تپه، وقتی می‌رسی  
پونه‌ها در باد نجوا می‌کنند  
از صدای پای تو گنجشک‌ها  
جیک‌جیکی تازه پیدا می‌کنند  
\* \* \*  
چشم‌هایت مثل جفتی شاپرک  
رو به سوی باغ گل‌ها می‌پرند  
بره‌های پشت در دستان تو  
یونجه‌های تازه وتر می‌خورند...

مجموعه سبزه‌پوش مهربان، هم‌چنین از لحاظ گرافیک، تصویرگری و صفحه‌آرایی جزو آثار بسیار خوب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به شمار می‌آید و آثار بهزاد غریب‌پور در این مجموعه، کامل‌کننده شعرهای جعفر ابراهیمی است.

در مجموعه سبزه‌پوش مهربان، بعضاً به شعرهایی بر می‌خوریم که به صراحت مقصود شاعر را بیان کرده‌اند که البته می‌توان گفت زمانی قابل قبول خواهد بود که شاعر پس از بیان مقصود مثلاً حکیمانه و موعظه‌گر خود، کلامی شاعرانه بیاورد تا شعاری بودن آن خنثی شود

پس از بیان جمله‌ای [مثلاً] حکیمانه و موعظه‌گر، کلامی شاعرانه بیاورد تا شعاری بودن آن خنثی شود:

آن روزهای خوب و زیبا  
چون جویباری بود جاری  
آن جویباری که از آن ماند  
نامش برای یادگاری

آن روزهای باصفا، بود  
چون کلبه‌ای گرم و صمیمی...

می‌توان چون لک لکی پرواز کرد  
یا شبی مانند قو بر آب ماند  
می‌توان چون دره‌ای ساکت نشست  
می‌توان بر روی کوهی شعر خواند

من زندگی را می‌توانم  
در چهره دنیا ببینم  
من می‌توانم زندگی را  
در خواب هم زیبا ببینم

مضمون‌های شعری

یکی از نقاط قوت مجموعه سبزه‌پوش مهربان، مضمون‌یابی شاعر است که در تک‌تک شعرها (به جز مواردی انگشت شمار) به چشم می‌خورد که خوشبختانه، گاه در قالب روایت در شعر بیان می‌شود. لحن روایی شعر در دوره‌های اخیر، جزو مواردی است که می‌تواند مضامین بکری به همراه آورد. تصویر پیرزنی بزرگ لمید بر متکای کوه، پروانه‌ای که به سمت خورشید در پرواز است. آسمان مهربانی که شبی موضوع شعر شاعر می‌شود، مادری که گهواره شاعر را تکان می‌دهد و کودکی که آن را رنگ می‌کند و... مضمون‌هایی زیبا و تصاویری قشنگ هستند، که شاعر توانسته است برای رنگ‌آمیزی شعرهایش، از آن‌ها بهره بگیرد. ضمن آن که در برخی



در مجموعه‌ی سبزه‌پوش مهربان، شاعر، ضمن رعایت نکات فنی، از زبانی بهره می‌گیرد که هم صمیمیت خاصی دارد و هم القاکننده تجربه‌های شاعر است

شرکت واحد بنشینیم؟

از دیگر مواردی که درباره زبان مجموعه سبزه‌پوش مهربان، می‌توان بدان پرداخت، استفاده از ترکیب‌هایی است که ساختاری کلیشه‌ای و نخ‌نما دارند. در بند بالا، ترکیب «بلیت سبز دوستی»، ساختاری به شدت تکراری دارد. «شیشه اخم مسافر» اما چون اضافه‌ای تشبیهی به شمار می‌آید و خوشبختانه از این قاعده مستثنی است. «عطر شادمانی»، «نهاد»، «گل آفتاب» و «شعر باران» نیز با آن که اضافه تشبیهی به حساب می‌آیند، ترکیب‌های قابل قبولی برای شعر امروز به نظر نمی‌رسند.

شعارگرایی

یکی از مواردی که شاعران معمولاً با آن دست به گریبان هستند، مقوله شعارگرایی است که در برخی شعرها به افراط می‌گراید و در برخی نیز حرکتی خزنده و پنهان دارد و از نشانه‌های آن، پرداختن صریح شاعر به موضوع و بیان آشکار آن در کلامی موزون است. در کتاب سبزه‌پوش مهربان، البته این مورد، مصداق‌های زیادی ندارد و تنها در یکی دو شعر از این مجموعه پانزده قطعه‌ای، به شعرها و بعضاً مصراع‌هایی بر می‌خوریم که به صراحت، مقصود شاعر را بیان کرده‌اند که البته می‌توان گفت: این مورد تنها زمانی قابل قبول خواهد بود که شاعر